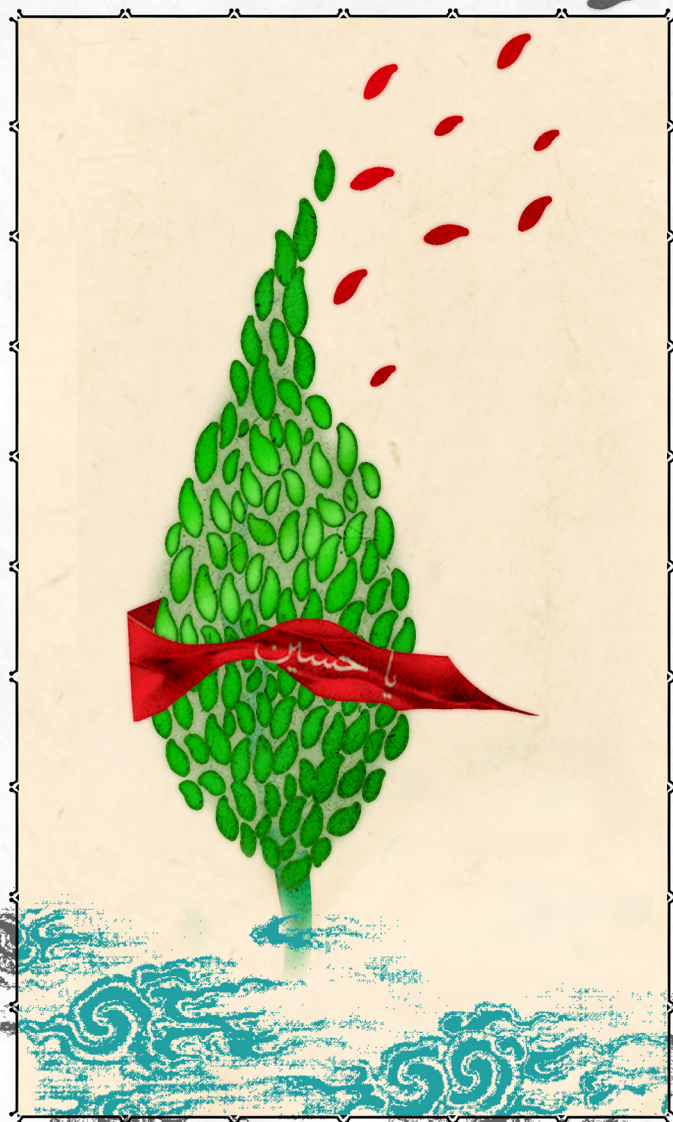




بیگانه‌اشنا

بررسی نرخ رشد فعالان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی

(نسخه غیر قابل انتشار)

اللهم صل على محمد



مقدمه

در این گزارش با بررسی نرخ رشد فعالان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی بر مبنای سال تولد آن‌ها، افزایش یا کاهش متولدین بازه‌های زمانی مختلف را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم. در این گزارش سعی می‌شود ضمن بیان شیوه نمونه‌گیری، روش محاسبه نرخ رشد و شتاب تغییر آن طی دوره‌های زمانی، علل و عوامل این کاهش را مورد بررسی قرار دهیم. ابتدا روش و مبانی پژوهش را توضیح داده و هم‌چنین سعی می‌شود انتقادات احتمالی وارده به نتایج و فرضیه گزارش را مورد بررسی قرار دهیم.

بر مبنای مطالعات جامعه‌شناختی، سن ورود به فعالیت‌های اجتماعی اواخر دومین دهه حیات جوانان قلمداد می‌شود. هادی حسین‌خانی در مقاله «نگاهی به تحولات دوران نوجوانی» منتشره در شماره ۱۰۴ فصل‌نامه علمی پژوهشی «معرفت» وابسته به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) بیان می‌دارد: «در خصوص طول دوره نوجوانی اتفاق نظر کاملی بین روان‌شناسان وجود ندارد. آنان طول این دوره را از سیزده سال تا چهارده سال دانسته‌اند، اما در آثار جدیدتر روان‌شناسی معمولاً سنین ۱۱ تا ۱۳ را آغاز و ۱۸ تا ۲۰ سالگی را پایان دوره نوجوانی به حساب آورده‌اند. واقعیت این است که آغاز و پایان و طول این دوره در دختران و پسران، جوامع مختلف و طبقات گوناگون اجتماعی متفاوت است». او در خصوص مرحله ورود نوجوان به دوره جوانی می‌افزاید: «چنانچه رشد نوجوان در مراحل پیشین به گونه‌ای نسبتاً بهنجار صورت گرفته باشد، در این مرحله آخر نوجوانی به تدریج به صورت یک فرد مستقل و خودکفا در مناسبات خانوادگی، آموزشی، شغلی، اجتماعی و فرهنگی ایفای نقش می‌کند و در چنین صورتی می‌توان امیدوار بود که مراحل رشد و پرورش او به درستی انجام شده و او آماده است تا زندگی جوانی و بزرگسالی را با موفقیت آغاز کند و ثمرات رشد و پرورش بیست ساله را در تداوم زندگی خویش آشکار نماید». هر چند در این پژوهش، سنین پایانی دهه دوم عمر را بازه ورود به جوانی در نظر گرفته‌اند ولی واقعیت آن است که بسیاری طی دوره نوجوانی یعنی همان بازه ۱۳ تا ۱۸ سالگی نیز فعالیت‌های کوچک اجتماعی و فرهنگی را در عرصه‌هایی محدود تجربه می‌کنند. در این زمینه می‌توان به تجربه بسیاری از فعالان نوجوان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی که در سنین ۱۴ سالگی به بعد وارد فعالیت‌های مذهبی در هیأت یا فعالیت‌های فرهنگی در مساجد و پایگاه‌های بسیج می‌شوند، اشاره کرد. بنابراین اگر هم شبهه‌ای درباره تعیین این معیار جهت بررسی نرخ رشد فعالان فرهنگی و سنجش میزان افزایش یا کاهش آنها وجود داشته باشد؛ این است که بسیاری فعالانی که در سنین پایین‌تر از ۱۸ سال در مجموعه‌های محلی مانند فرهنگسراها، مساجد و هیأت حضور دارند؛ نادیده گرفته شده است.



در تبیین این نکته، جمشید مولودی و همکارانش در مقاله «تحلیل تطبیقی ساختار اشتغال شهری با تأکید بر متغیرهای اجتماعی و نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری» منتشره در شماره ۶ فصل‌نامه علمی پژوهشی «مطالعات شهری» می‌نویسند: «سن شروع به کار در ایران به طور عام و در تهران به طور خاص، سن ۱۰ سالگی است. به عبارت دیگر طبق استانداردهای مرکز آمار در ایران، هر فردی که وارد سن ۱۰ سالگی گردد، در زمره جمعیت فعال سرشماری می‌شود و در صورت داشتن شغل به عنوان شاغل محسوب می‌شود. سن ورود به کار یکی از اجزای نرخ مشارکت است». کاهش سن ورود به کار یکی از معیارهایی است که می‌توان بر آن مبنا سن ورود به عرصه‌های عمومی را حتی کم‌تر از ۱۸ سالگی دانست. با این حال، عمدتاً بازه فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی نوجوانان و جوانان را در محدوده‌ای میانه این دو در نظر می‌گیرند. حمید دهقانی و همکارانش در مقاله «بررسی تأثیر سرمایه اقتصادی بر شادی جوانان» منتشره در شماره ۱۲ فصل‌نامه «راهبرد و فرهنگ» دامنه سنی جوانان را «بین ۱۵ تا ۲۹ سال» قلمداد می‌کند. راضیه آذرnia در پژوهش «بررسی نحوه کاربرد اینترنت نزد جوانان مشهد» که به سفارش مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران به انجام رسید و فرشته علیزاده نیز در پژوهش «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به استفاده از موبایل»، همین بازه ۱۵ تا ۲۹ سال را به عنوان دوره جوانی برگزیده‌اند.

بر همین اساس در این گزارش، سن ورود به فعالیت‌های اجتماعی را ۱۸ سالگی در نظر گرفته و بر این مبنا، میزان افزایش یا کاهش رشد کمی فعالان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی طی ادوار زمانی مختلف را مورد بررسی قرار داده‌ایم. با توجه به شناسایی اولیه «سامانه شهید باقری» در سال‌های ۱۳۹۱ به بعد، فعالان هجده‌ساله و بالاتر در این بازه زمانی افرادی هستند که متولد سال ۱۳۷۳ و قبل از آن باشند. مفروض این گزارش آن است که فعالیت فرهنگی نه دارای منفعت مادی چشمگیری است و نه منزلت اجتماعی فراگیری برای فعالانش در پی دارد. برای بررسی میزان رشد یا کاهش گرایش به فعالیت‌های فرهنگی باید به مواردی که در مقابله با این فعالیت‌ها به عنوان رقیب یا مانع عمل می‌کنند، توجه نمود. فضای فتنه‌انگیزی، شبهه‌افکنی و مادی‌گرایی موجب ممانعت از ایجاد انگیزه و دغدغه لازم در نوجوانان و جوانان می‌گردد. به عنوان مثال تأثیر رسانه‌ای، فرهنگی و اجتماعی فضای فتنه ۸۸ بر نسل جوان و نوجوان کشور، سبب دوری‌گزینی و اجتناب آن‌ها از ورود به عرصه فعالیت‌های مجموعه‌های انقلابی مانند هیأت یا دیگر گروه‌های اجتماعی می‌شود. برخی عوامل نیز مانع دغدغه‌مندی فرهنگی و دینی نیست ولی رقیب آن است. بدین معنا که فرد تصمیم می‌گیرد توان، وقت و هزینه خود را در امر دیگری مصروف کند که منفعت یا منزلت بیشتری برای وی به ارمغان بیاورد. برای مثال، گرایش به فعالیت‌های علمی و تحصیلی یا تصمیم به ورود در عرصه اشتغال و فعالیت‌های معیشتی برخی از این موارد هستند. این موارد بایست بر اساس مستندات آماری متقن مورد بررسی قرار گیرد. با این حال، باید از بیان فرضیه‌های رقیب و سؤالاتی که در جهت ابطال این فرضیه بیان می‌شوند، استقبال کرد.



روش نمونه‌گیری

آنچه در فرآیند این گزارش بدان استناد می‌شود نمونه‌گیری تصادفی از مجموعه فعالان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی است. به طور کلی، گردآوری داده‌ها به دو صورت میسر است: سرشماری جامعه هدف و نمونه‌گیری جامعه مورد نظر. از آنجا که سرشماری اقدامی هزینه‌بر و طولانی است؛ پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی روی به جمع‌آوری نمونه‌های آماری می‌آورند. در واقع نمونه‌برداری فرآیند انتخاب تعداد کافی از میان اعضای جامعه آماری است. به طوری که با مطالعه گروه نمونه و پایش خصوصیات یا ویژگی‌های آزمودنی‌های گروه، می‌توان شاخصه‌های عمومی جامعه آماری را مورد بررسی و تحلیل قرار داد. نمونه‌گیری تصادفی به دو شکل احتمالی و غیراحتمالی است. در شکل احتمالی، بخشی از جامعه آماری از شانس مشخصی نسبت به دیگر بخش‌ها یا اقشار برخوردار است ولی در نمونه‌گیری غیراحتمالی که این گزارش نیز بر آن اساس استوار است؛ هر یک از اعضای جامعه تعریف شده شانس برابر و مستقلی برای قرار گرفتن در نمونه دارند، منظور از مستقل بودن این است که انتخاب یک عضو به هیچ شکل در انتخاب سایر اعضای جامعه تاثیری ندارد.

در این گزارش از مجموع فعالان شناسایی شده جبهه فرهنگی که ۹۵۶۸۲ نفر می‌باشند، همه افرادی که سال تولد آنها مشخص است یعنی ۳۶۷۰۳ نفر بدون در نظر گرفتن هیچ سهمیه یا وزن خاصی برای متغیرها، انتخاب شده‌اند. بنابراین روش نمونه‌گیری تصادفی غیراحتمالی ساده مورد استفاده قرار گرفته است.

نمونه آماری بیش از یک‌سوم جامعه آماری شناسایی شده است. پس می‌توان با احتمال قریب به یقین از روایی و اعتبار نتایج این گزارش دفاع نمود. نکته دیگر آن که بررسی نمودار رشد جمعیتی این نمونه آماری نشان‌گر یک روند خطی نسبتاً پایدار و بدون فرازونشیب‌های مقطعی و یا شکست‌های غیرمنطقی در فرآیند نمودار است. بدین ترتیب که به جز روند کاهشی مد نظر در اوایل دهه هفتاد شمسی، نمودار از نقطه کانونی دیگری برخوردار نیست. این نشان‌دهنده آن است که روندهای موجود در نمودار، معتبر هستند. حال آن که اگر نحوه شناسایی فعالان فرهنگی ناقص و یا غیرفراگیر می‌بود، می‌بایست شاهد نقاط شکست فراوانی در فرآیند رشد نمودار می‌بودیم. برای مثال روند رشد دهه پنجاه یا شصت شمسی نیز دارای نقاط شکست یا کاهشی می‌شد. در حالی که این گونه نیست و نمودار از یک روند مشخص و قابل پیش‌بینی پیروی می‌کند. از سوی دیگر، تطابق نسبی در روند افزایشی یا کاهشی فعالان جبهه فرهنگی در نمونه تصادفی با نرخ موالید کشور برگرفته از داده‌های خام مرکز آمار ایران مبتنی بر سرشماری سال ۱۳۸۵ که در ادامه با جداول و نمودارهای آماری به نمایش گذاشته می‌شود، نشانه دیگری بر صحت آمار برگرفته از این نمونه تصادفی است. پس بهتر است با تأمل بیشتری در نتایج این تحلیل‌ها نظر نمود.



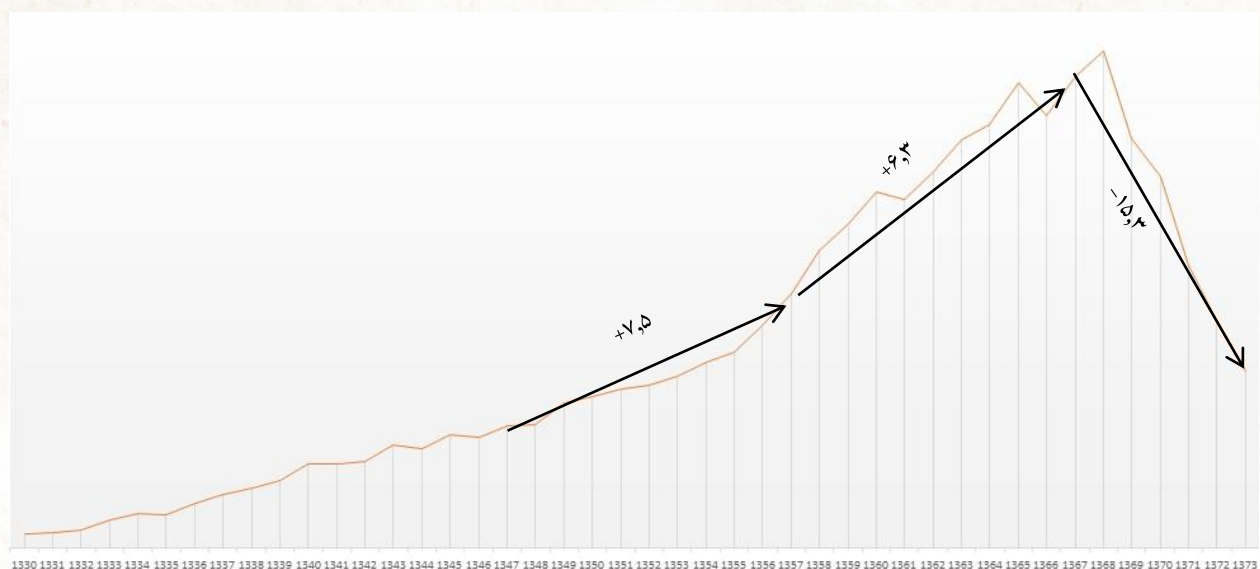
نمودار رشد فعالان فرهنگی

نمودار رشد به واسطه احصای تعداد فعالان فرهنگی شناسایی شده در «سامانه شهید باقری» به تفکیک سال تولد آن‌ها به دست می‌آید. جدول زیر، تعداد این فعالان به تناوب سال تولد آن‌ها را نشان می‌دهد.

۱۳۳۹	۱۳۳۸	۱۳۳۷	۱۳۳۶	۱۳۳۵	۱۳۳۴	۱۳۳۳	۱۳۳۲	۱۳۳۱	۱۳۳۰
۲۶۶	۲۳۶	۲۱۳	۱۷۸	۱۳۳	۱۳۶	۱۰۹	۷۰	۶۳	۵۸
۱۳۴۹	۱۳۴۸	۱۳۴۷	۱۳۴۶	۱۳۴۵	۱۳۴۴	۱۳۴۳	۱۳۴۲	۱۳۴۱	۱۳۴۰
۵۷۳	۴۸۹	۴۸۲	۴۳۹	۴۴۶	۳۹۳	۴۰۸	۳۴۴	۳۳۲	۳۳۰
۱۳۵۹	۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	۱۳۵۵	۱۳۵۴	۱۳۵۳	۱۳۵۲	۱۳۵۱	۱۳۵۰
۱۲۷۹	۱۱۷۳	۱۰۰۱	۸۷۹	۷۷۰	۷۳۱	۶۷۸	۶۴۰	۶۲۷	۵۹۵
۱۳۶۹	۱۳۶۸	۱۳۶۷	۱۳۶۶	۱۳۶۵	۱۳۶۴	۱۳۶۳	۱۳۶۲	۱۳۶۱	۱۳۶۰
۱۶۱۴	۱۹۵۷	۱۸۵۸	۱۷۰۵	۱۸۳۴	۱۶۷۰	۱۶۰۷	۱۴۸۲	۱۳۷۵	۱۴۰۴
						۱۳۷۳	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰
						۶۹۶	۸۹۶	۱۱۱۴	۱۴۶۵

جدول شماره ۱ میزان فعالان شناسایی شده جبهه فرهنگی انقلاب به تفکیک سال تولد

با توجه به اعداد به دست آمده، نمودار زیر به دست می‌آید.



شکل شماره ۱ نمودار رشد فعالان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی



روش محاسبه نرخ رشد

$$P_t = P_0(1 + r)^t$$

در این فرمول، P_0 میزان اولیه متغیر، P_t میزان ثانویه متغیر پس از گذشت زمان t و در نهایت r نرخ تغییر کمیت این متغیر در این فاصله زمانی است. بنابراین نرخ رشد بدین ترتیب به دست می آید.

$$r = \sqrt[t]{\frac{P_t}{P_0}} - 1$$

با توجه به فرمول فوق، نرخ رشد هر دوره زمانی را با احتساب رقم اولیه فعالان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در ابتدای آن دوره یا دهه و سپس میزان تغییر آن طی دوره زمانی می توان به دست آورد. برای مثال نرخ رشد فعالان جبهه فرهنگی انقلاب بین سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۷ بدین ترتیب است:

$$r = \sqrt[t]{\frac{P_t}{P_0}} - 1 \rightarrow r = \sqrt[10]{\frac{1001}{482}} - 1 \rightarrow \sqrt[10]{2.07} - 1 \rightarrow r = 1.075 - 1 \rightarrow r = 0.075 \rightarrow r = 7.5\%$$

هم چنین نرخ رشد متولدین بین سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ بدین شرح است:

$$r = \sqrt[t]{\frac{P_t}{P_0}} - 1 \rightarrow r = \sqrt[10]{\frac{1858}{1001}} - 1 \rightarrow r = \sqrt[10]{1.85} - 1 \rightarrow r = 1.063 - 1 \rightarrow r = 0.063 \rightarrow r = 6.3\%$$

طبیعی است با افزایش صورت کسر نسبت به مخرج آن، میزان کسر بیش از یک و به تبع، تفریق آن از یک، مثبت خواهد بود ولی با کاهش میزان فعالان فرهنگی شناسایی شده که در اوایل سال‌های دهه هفتاد شمسی متولد شده‌اند، نرخ رشد، منفی می شود. به همین دلیل نرخ رشد فعالان جبهه فرهنگی انقلاب از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۳ بدین صورت است:

$$r = \sqrt[t]{\frac{P_t}{P_0}} - 1 \rightarrow r = \sqrt[6]{\frac{696}{1858}} - 1 \rightarrow r = \sqrt[6]{0.37} - 1 \rightarrow r = 0.847 - 1 \rightarrow r = -0.153 \rightarrow r = -15.3\%$$



تحلیل

همان گونه که در جدول شماره ۱ و هم چنین نمودار رشد فعالان فرهنگی مشاهده می شود، کاهش تدریجی تعداد فعالان شناسایی شده جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی از سال ۱۳۷۰ آغاز می شود. یعنی افرادی که در سال ۱۳۸۸ به سن هجده سالگی می رسند. برای بررسی دقت نمودار رشد سنی فعالان فرهنگی، بر مبنای یک نمونه ۲۰ درصدی از سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، نرخ موالید سراسر کشور در سال های مختلف را به دست آوردیم. البته گفتنی است آمار این نمونه را از سال ۱۳۳۰ محاسبه نمودیم که ۱۲۰۹۶۶۱ نفر است، هم چنین طبیعی است بخشی از جمعیت کشور که متولد دهه های سی و چهل شمسی بوده و در حوادث غیرمترقبه مانند زلزله های مختلف جان خود را از دست داده اند و یا در دفاع مقدس به شهادت رسیده اند، مقداری این آمار را از طبیعت خویش دور می کند ولی برای بررسی آمار متولدین دهه های پنجاه، شصت و هفتاد شمسی، کاربرد دارد.

بازه زمانی	نرخ رشد موالید کشور	نرخ رشد فعالان فرهنگی
۱۳۵۷-۱۳۴۷	+۴,۲	+۷,۵
۱۳۶۷-۱۳۵۷	+۲,۵	+۶,۳
۱۳۷۳-۱۳۶۷	-۴,۴	-۱۵,۳

جدول شماره ۲ مقایسه نرخ رشد جمعیت کشور با نرخ رشد فعالان فرهنگی

از مطابقت جدول فوق و نرخ جمعیت جوان کشور طی سرشماری های عمومی نفوس و مسکن می توان به نکته دیگری که در تأیید مبانی نظری این گزارش مبتنی بر مفروض دانستن سن ۱۸ تا ۲۰ سالگی جهت ورود افراد به عرصه اجتماعی رسید. طبق اطلاعات سرشماری های مرکز آمار، جمعیت کشور در سرشماری سال ۱۳۸۵، بیش از ۷۰ میلیون نفر بوده که ۲۴ میلیون نفر معادل ۳۴ درصد را جمعیت جوان بین ۱۵ تا ۲۹ ساله تشکیل داده اند ولی در سرشماری سال ۱۳۹۰ که جمعیت کشور بالغ بر ۷۵ میلیون نفر برآورد شد، بیش از ۲۳ میلیون نفر معادل ۳۱ درصد را جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله تشکیل داده اند. کاهش نزدیک به ۴ درصدی نرخ رشد جمعیت جوان کشور مطابق با کاهش حدوداً ۴ درصدی نرخ موالید کشور در اوایل دهه هفتاد شمسی است. یعنی متولدینی که در سال های پایانی دهه هشتاد به سن جوانی و ورود به عرصه های اجتماعی نزدیک می شوند. با توجه به تطبیق روند فوق، از یک سو صحت و دقت نسبی نمونه گیری تصادفی این گزارش تأیید می شود و از سوی دیگر باید در پی بررسی چرایی فاصله قابل توجه رشد منفی فعالان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی با رشد منفی میزان موالید کشور در اوایل دهه هفتاد شمسی بود.

بنابراین می بایست در ریشه یابی کاهش نسبی نرخ جمعیت فعالان جبهه فرهنگی در جست و جوی دلایل و عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بود. فضای شبهه انگیزی فتنه که موجب سیاه نمایی چهره نظام و آرمان زدایی از وجهه انقلاب



اسلامی است، عاملی مهم در این خصوص تلقی می‌شود. علاوه بر آن، گرایش به فعالیت‌های علمی و کسب مدرک تحصیلی نیز یک عامل رقیب در مقابل فعالیت‌های فرهنگی است. اما با تدبیر بیشتر در این مورد متوجه ارتباط مهم این دو عامل در دوری‌گزینی نوجوانان از فعالیت‌های فرهنگی و انقلابی می‌شویم. در واقع، فتنه به مثابه مانع، فضا را برای گسترش عامل رقیب و محدودسازی عرصه فرهنگی انقلابی، فراهم می‌آورد.

طبق آمارها، میزان دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی طی سال‌های میانی دهه هشتاد به میزان معتناهی افزایش یافته است. نسل متولدین اوایل دهه هفتاد به طور نسبی در سال‌های ۱۳۸۸ به بعد، دوره تحصیلات متوسطه را به پایان رسانده به سن ورود به دانشگاه می‌رسند. آنها در شرایطی وارد دانشگاه می‌شوند که فضای این مراکز متأثر از رخدادهای پس از دهمین انتخابات ریاست جمهوری ملتهب است. این مسأله که اغلب جوانان پس از ورود به دانشگاه، متأثر از فضای دروس، اساتید، محیط مختلط دانشجویی و هم‌چنین فضای رسانه‌ای بازتر نسبت به دوره دبیرستان، به گرایش‌های فکری و فرهنگی متمایل می‌شوند که چندان قرابتی با جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی ندارد؛ حرف تازه‌ای نیست. این نکته زمانی اهمیت می‌یابد که به این سخن حجت‌الاسلام محمدیان، مسئول نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها توجه کنیم که در سال ۱۳۸۸ گفتند: «بر اساس آمارهای موجود هفتاد درصد دانشگاهیان به کسی رای داده‌اند که اکنون در رأس مدیریت کشور نیست این مسئله به نوعی دلسردی ایجاد می‌کند».

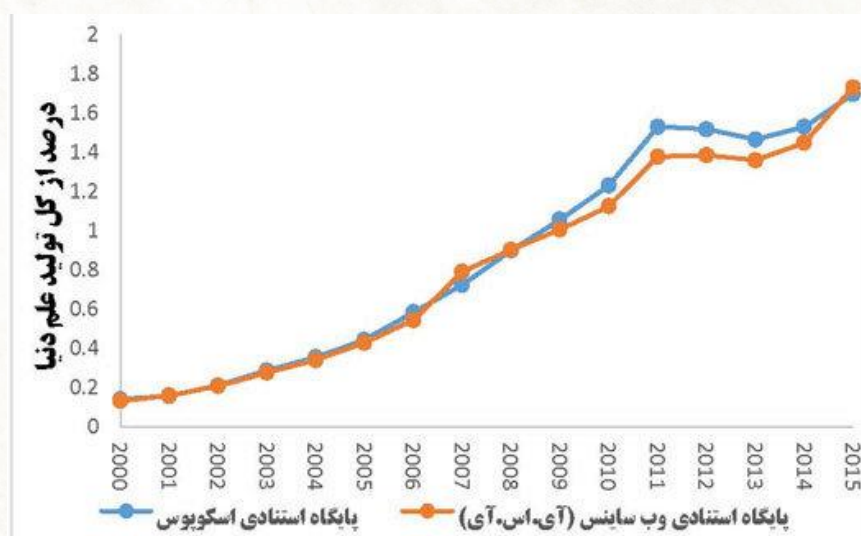
در چنین شرایطی، دانشجویانی که از نتایج انتخابات و حوادث پس از آن سرخورده و افسرده شده‌اند، گرایش به فعالیت در تشکلهای انقلابی یا حضور در مجامع و محافل مذهبی و فرهنگی دانشگاه‌ها را از دست می‌دهند. این نکته از این جهت اهمیت می‌یابد که تشکلهای هم‌سو مانند بسیج دانشجویی، جامعه اسلامی، هیأت دانشجویی و انجمن اسلامی مستقل، نقش مهمی در جذب دانشجویان به عرصه فعالیت‌های فرهنگی انقلابی دارند. پس کاهش گرایش به این مجموعه‌ها، تأثیر بالقوه‌ای در کاهش میزان حضور در فعالیت‌های فرهنگی خواهد داشت.

مقطع	تعداد در سال ۱۳۸۴	تعداد در سال ۱۳۹۲	میزان افزایش
کاردانی	۱۹۶۶۶۵	۵۸۱۴۱۴	٪۱۹۶
کارشناسی	۶۸۴۸۶۵	۱۵۹۳۸۷۱	٪۱۳۳
کارشناسی ارشد	۴۴۵۲۰	۱۵۴۰۹۷	٪۲۴۶
دکتر	۹۹۵۰	۳۳۴۳۹	٪۲۳۴
جمع کل	۹۳۶۰۰۰	۲۳۶۲۸۲۱	٪۱۵۲

جدول شماره ۳ نرخ رشد جمعیت دانشجویی کشور



در همین راستا، یکی از فرضیه‌ها که به نظر نگارندگان می‌توان از آن به عنوان فرضیه مکمل نیز بهره برد، میزان گرایش به فعالیت‌های علمی دانشجویان است. ممکن است برخی با توجه به منزلت اجتماعی ناشی از تحصیلات دانشگاهی و کسب مدرک و منفعت مادی منتج از تحصیلات و کسب شغل و درآمد را دلیلی بر کاهش نرخ جمعیتی فعالان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی عنوان کنند. برای این کار، نرخ رشد علمی کشور در سال‌های مختلف را در شکل زیر مشاهده می‌کنیم.



شکل شماره ۲ نرخ رشد علمی کشور

بر اساس شکل فوق، نرخ رشد علمی کشور طبق دو پایگاه معتبر ISI و Scopus تداوم یک روند طبیعی از گذشته و نشان‌گر نتیجه طبیعی افزایش تعداد مراکز دانشگاهی، اساتید و دانشجویان از سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵) است. از سوی دیگر می‌توان این نکته را توجیهی بر فرضیه این گزارش دانست که غلبه فضای رسانه‌ای و روانی دشمن در جریان فتنه موجب اجتناب اقشار خاکستری از حضور در فعالیت‌های فرهنگی و افزایش گرایش آنان از سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹) به سوی فعالیت‌های علمی و پژوهشی بوده است.

در تبیین این مسئله باید بار دیگر به مبانی این گزارش مبتنی بر فقدان منزلت اجتماعی و منفعت مادی چشمگیر فعالیت‌های فرهنگی و انقلابی اشاره نمود. در فضایی که شبهه‌انگیزی و تهاجم رسانه‌ای دشمن، فضای روانی مناسب جهت ترغیب نوجوانان و جوانان به جبهه فرهنگی را تحت تأثیر قرار داده و تا حدی از میزان دغدغه‌مندی و ایجاد انگیزه‌های معنوی و ایمانی می‌کاهد. پس بسیاری از این نسل با توجه به ویژگی‌های سنی مانند نیاز به جلب توجه و خوداتکایی؛ ترجیح می‌دهند فعالیت‌های رقیب مانند تحصیلات دانشگاهی که منزلت اجتماعی بهتری دارد و سپس کسب شغل به واسطه مدرک تحصیلی که منفعت مادی بیشتری دارد؛ را در پی بگیرند.



اگر بپذیریم وقوع فتنه در سال ۱۳۸۸ یکی از عوامل ایجاد جنگ رسانه‌ای و روانی دشمنان نظام علیه انقلاب و جریان حزب‌الله بوده است، در تداوم و البته در کنار آن می‌بایست به عوامل فرهنگی و اجتماعی دیگر همانند رشد گرایش به رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و کاهش حضور اجتماعی نسل نوجوان دهه هشتاد نیز اشاره نمود. طبیعی است رشد بیشتر حضور در فضای مجازی (فارغ از گرایش و سلیق اجتماعی و سیاسی فعالان این عرصه)، منجر به کاهش حضور واقعی در عرصه‌های اجتماعی می‌شود. در پژوهش حمزه محمدی و همکارانش تحت عنوان «بررسی اعتیاد به اینترنت و فضاهای مجازی در بین نوجوانان و جوانان» منتشره در «نخستین کنگره ملی فضای مجازی و آسیب‌های اجتماعی نوپدید» در سال ۱۳۹۱، میزان نفوذ و تعداد کاربران اینترنتی ایران در سال‌های اخیر را چنین برآورد کرده‌اند:

سال	ضریب نفوذ اینترنت (به درصد)	تعداد کاربران (به میلیون نفر)
۱۳۸۱	۷,۵	۵,۵
۱۳۸۴	۱,۸	۷,۵
۱۳۸۶	۲۵,۶	۱۸

جدول شماره ۴ ضریب نفوذ و تعداد کاربران اینترنت در ایران

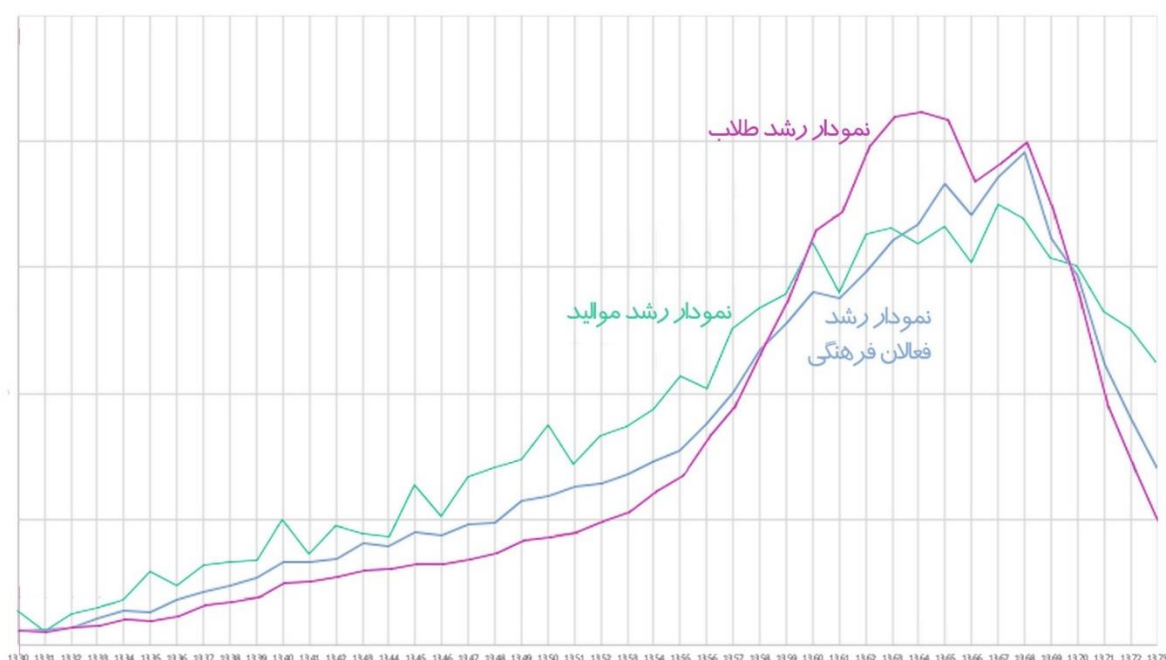
در ادامه این پژوهش آمده است: «نزدیک به یک‌چهارم کاربران اینترنت در ایران اعتیاد به اینترنت دارند و این میزان بین سنین ۱۵ تا ۱۸ سال در مقایسه با سایرین بیشتر است». با توجه به آمار فوق، می‌توان به این نکته رسید که در شرایطی که اردو کشی‌های خیابانی فتنه‌گران به مرور کاهش می‌یافت؛ فضای ملتهب اجتماعی و سیاسی پس از فتنه از کف خیابان به فضای مجازی منتقل شد. این مسأله با توجه به افزایش نرخ کاربران اینترنت به خصوص در بین نوجوانان و جوانان و هم‌چنین تنوع سخت‌افزاری (لپ‌تاپ؛ تبلت؛ تلفن‌های همراه هوشمند) و نرم‌افزاری (اینستاگرام؛ تلگرام؛ توئیتر) فضای مجازی، روشن می‌کند که این مسأله نیز از دیگر نکاتی است که علاوه بر افزایش تأثیر فضا سازی‌های روانی و رسانه‌ای فتنه میان نوجوانان و جوانان؛ موجبات دوری آنها از فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی را نیز پدید آورد. با این حال، شبهه‌ای که ممکن است دقت این گزارش را خدشه‌دار سازد، این است که فعالان فضای مجازی که فعالیت فرهنگی آنها ظهور و بروزی در فضای واقعی نداشته (مثلاً صرفاً مدیریت یک کانال تلگرامی) در این شناسایی به عنوان فعالان فرهنگی، احصا نشده‌اند. این نکته‌ای است که با توجه به رشد نرخ کاربران اینترنتی در سال‌های اخیر باید به آن توجه نمود. ولی از آن‌جا که اولاً اطلاعات آماری دقیقی از این میزان فعالان در دسترس نیست و ثانیاً نرخ رشد فعالان جبهه فرهنگی انقلاب از یک روند نسبتاً ثابت و طبیعی برخوردار است؛ می‌توان به استناد نتایج این گزارش، برخی راهبردها و پیشنهادات را مورد بررسی و پیگیری قرار داد.



آخرین نکته، بررسی میزان رشد کمی طلاب حوزه علمیه نسبت به تفکیک سال تولد است. زیرا فعالیت فرهنگی نسبت نزدیکی با تحصیلات حوزوی دارد. در شرایط امروزی که به نظر می‌رسد منزلت اجتماعی طلاب نسبت به سال‌های پیش و اوایل انقلاب کاهش یافته و منفعت مادی آن نیز فراگیر و همه‌جانبه نیست، عموماً افرادی عزم تحصیلات حوزوی می‌کنند که دغدغه‌مندی دینی و فرهنگی بیشتری دارند. این آمار از بانک آماری مرکز خدمات حوزه علمیه سراسر کشور اخذ شده و نمونه آماری آن ۱۴۸۰۶۲ نفر است. با توجه به جدول زیر، نرخ رشد طلاب حوزه علمیه، نه تنها تناقضی با رشد سنی فعالان فرهنگی ندارد بلکه در شتاب تغییرات و روند خطی آن، مطابقت بسیار نزدیکی با آن دارد. پس نمونه‌گیری تصادفی این گزارش از دقت خوبی برخوردار است. دلیل کاهش نرخ رشد طلاب متولد اوایل دهه هفتاد، یا کاهش دغدغه‌مندی جوانان این دهه به دلیل کاهش منزلت اجتماعی این قشر است یا اینکه ظرفیت پذیرش حوزه‌های علمیه نسبت به گذشته کاهش یافته است. در هر دو صورت، در آینده بلندمدت شاهد کاهش جمعیت روحانیت نسبت به جمعیت کشور خواهیم بود که می‌بایست نسبت به آن حساس باشیم. این مسأله موجب شکاف نسلی گسترده بین جوانان و عالمان دینی خواهد شد.

نرخ رشد نمودار طلاب	نرخ رشد فعالان فرهنگی	نرخ رشد موالید کشور	بازه زمانی
+۹,۶	+۷,۵	+۴,۲	۱۳۵۷ - ۱۳۴۷
+۶,۹	+۶,۳	+۲,۵	۱۳۶۷ - ۱۳۵۷
-۱۹,۷	-۱۵,۳	-۴,۴	۱۳۷۳ - ۱۳۶۷

جدول شماره ۵ مقایسه میزان رشد سه نمودار





آیا محتوای این گزارش، نافی سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی است؟

شاید پاسخ به این پرسش ضرورت چندانی نداشته باشد، ولی از آن جهت که ممکن است این ایراد از سوی بعضی منتقدان بیان گردد که چنین مضمونی (روند کاهشی رشد جمعیت فعالان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی) با سخنان رهبری بزرگوار در جمع مسئولان قرارگاه بقیه‌الله الاعظم (عج) منافات دارد و از آن رو که پیروی از منویات آن رهبر حکیم را بر خود فرض می‌دانیم، این شبهه را نیز برطرف می‌نماییم.

حضرت امام خامنه‌ای طی دیداری به تاریخ نوزدهم آبان ۱۳۹۵ در جمع مسئولان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی فرمودند: «اعتقاد قطعی و عینی من این است که ما در حوزه فرهنگ، از لحاظ فرهنگی، اوضاع فرهنگی ما از حیث کیفیت و کمیت بهتر است. کیفیت که قطعاً بهتر از قبل است کمیت هم احتمالاً و با برآورد بنده و به نسبت جمعیت بیشتر است». با دقت در سخنان معظم‌له مشخص می‌شود منظور ایشان از گذشته، سال‌های پیش از دهه هفتاد شمسی است. بدین ترتیب که کیفیت محصولات و تولیدات و فعالیت‌های فرهنگی فعالان جبهه فرهنگی انقلاب نسبت به گذشته، ارتقا و رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. این نکته‌ای واضح است که با بررسی آثار هنری، فرهنگی و اجتماعی جبهه فرهنگی مؤمن و انقلابی، صحت آن آشکار می‌شود و تطویل آن خارج از موضوع این وجیزه است. علاوه بر این، کمیت فعالان فرهنگی متدین و مؤمن نیز نسبت به سال‌های پیش از انقلاب و به نسبت جمعیت کشور، رشد داشته است. این رشد کمی نسبت به میزان جمعیت به خوبی در جدول شماره ۲ که قیاس نرخ رشد فعالان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی با نرخ رشد مولید در دهه‌های پنجاه، شصت و اوایل دهه هفتاد شمسی است؛ قابل مشاهده است. در این جدول، نرخ رشد فعالان فرهنگی متولد شده در ادوار ۱۳۵۷-۱۳۴۷ و هم‌چنین ۱۳۶۷-۱۳۵۷؛ با اختلاف قابل توجهی از نرخ رشد مولید در این بازه‌های زمانی بیشتر است که خود تأییدی بر سخنان رهبری معظم انقلاب مبنی بر رشد کمی فعالان انقلابی و دینی به نسبت جمعیت است.

تأیید نکات فوق در سخنان رهبری نیز بیان می‌شود: «شما غالباً جوانید یا در دهه شصت نبودید و یا اگر بودید یادتان نمی‌آید. در زمان جنگ خیلی‌ها بودند که اصلاً کاری به جنگ و این مسائل نداشتند. لکن الان این‌طور نیست. در زمان جنگ چقدر خانواده‌ها بودند که نگاه به جنگ هم نکردند. ما همیشه کسانی را می‌گوییم که رفته‌اند. چقدرها ضد جنگ بودند... اما تفکر انقلاب، رشد پیدا کرده است. کمیت و کیفیت کار فرهنگی هم ارتقا پیدا کرده و محصولات فرهنگی ما در خارج از مرزها مورد اقبال قرار می‌گیرند. لبنان، مصر، ترکیه، عراق... در این‌ها محصولات انقلابی پیش می‌رود».

سخنان رهبری انقلاب ناظر به شرایط کنونی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی است. در دهه شصت شمسی، فعالان مذهبی و انقلابی کسانی بودند که عمدتاً متولدین دهه چهل و پیش از آن بوده‌اند. حال آن‌که شرایط مد نظر رهبری معظم انقلاب



اسلامی یعنی وضعیت فعلی جبهه فرهنگی، حاصل فعالیت‌های مؤثر جمعیت قابل توجهی است که عمدتاً جوان و متولد دهه‌های پنجاه و شصت شمسی هستند که در این گزارش نیز بر افزایش نرخ رشد آنها نسبت به نرخ رشد جمعیت کشور تأکید شده است. در حالی که شرایط مد نظر گزارش متناظر به آینده‌ای است که عمده فعالان فرهنگی مؤثر شامل متولدین دهه‌های هفتاد شمسی هستند. **گزارش هشدار نسبت به آینده است نه نفی وضع موجود.** زیرا حال آن که متولدین دهه هفتاد شمسی به بعد اکنون حداکثر جزء کارآموزان و فعالان فرهنگی غیرحرفه‌ای هستند که در سال‌های آینده نقش مؤثر و مهم‌تری ایفا خواهند کرد. پس هشدار این گزارش نسبت به وضعیت آتی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی نه تنها منافاتی با سخنان تأییدآمیز ایشان ندارند بلکه از قضا مبین هشدارهای ایشان است: «آموزش بدهید و پرورانید، تربیت کنید و به وجود بیاورید... یعنی همینطور این نسل‌ها پی‌درپی، پشت سر هم، هی جوان پشت سر جوان». هم‌چنان که ایشان نیز تأکید دارند، با ورود نسل‌های جدید به فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی، نوعی انباشت نسلی رخ می‌دهد. زیرا علاوه بر نسل‌های پیشین که فعالیت‌های فرهنگی در جریان انقلاب را تداوم می‌بخشند، حضور نسل‌های جدید موجب افزایش اثربخشی، نشاط و نوگرایی در این فعالیت‌ها خواهد بود. بنابراین افزایش کیفیت و کمیت در حال حاضر نه فقط نتیجه حضور متولدین دهه‌های پنجاه و شصت بلکه ثمره انباشت تجربه و دانش آنها بر تجارب و ایده‌های نسل‌های قبلی است.

هم‌چنین نکته‌ای از سخن ایشان در دیدار با مسئولان بنیاد فرهنگی خاتم‌الاولیا (عج) در دوم اردیبهشت ۱۳۹۲ برآورد می‌شود که بیش از کمیت بر کیفیت تأکید دارند: «برادران و پیشکسوتان هنری در یک دوره‌ای در اقلیت و غربت بودند؛ امروز خوب شما جوانان آمدید به میدان. من پیش‌بینی می‌کردم که این اتفاق بیفتد و امیدوار بودم به این روز. برخی می‌گفتند ریزش‌ها زیاد شده است. بنده هم قبول دارم ریزش داریم. اما عرض کردم رویش‌ها از ریزش‌ها بیشتر است. معتقدم رویش‌ها قوی و پربرکت‌تر است».

نکته پایانی نهیب ولی‌امر حضرت امام خامنه‌ای ^{مدظله العالی} نسبت به حفظ نیروهای فعلی جبهه فرهنگی انقلاب است: «مراقب باشید نیروهای خوبی که جذب کردید و تربیت کردید از دست نروند. گاهی یک امر کوچک، شبهه‌ای، برخورد نامناسب و یک مسأله کوچک کاری می‌کند که نیروها دفع بشوند و حتی از انقلاب فاصله بگیرند. مراقب باشید که این مسائل، نیروها را از چتر انقلاب خارج نکنند». این هشدار هشیارانه نشان‌گر نگرانی عمیق و دقیق ایشان نسبت به حفظ سرمایه‌های انسانی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی است. این نکته‌ای است که قرابت مضمون هشدار این گزارش با منویات و نظرات رهبر معظم انقلاب اسلامی را به خوبی تأیید می‌کند.



راهکارها

نکته مهمی که می‌توان از این گزارش نتیجه گرفت این است که حتی به فرض عدم دقت و صحت محتوای این گزارش، باید هشدار آن را جدی تلقی کرد. به این دلیل که حتی اگر این گزارش از دقت کافی برخوردار نباشد، تلاش برای جذب فعالان فرهنگی از اқشار غیرانقلابی یا به تعبیری عامه نوجوانان و جوانانی که عناد یا دشمنی با انقلاب اسلامی، نظام و جبهه حزب‌الله ندارند، موجب رشد روزافزون کمی و کیفی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی می‌شود. چه رسد به این که گزارش مذکور دارای مستندات متقنی است که توجه زیادی می‌طلبد و لازم است مسئولان امر نسبت به کاهش دایره فعالان فرهنگی جبهه جوان مؤمن و انقلابی و کمبود این نرخ جمعیتی طی سال‌های آتی، حساسیت ویژه‌ای داشته باشند.

راهبرد دیگر، لزوم توجه ویژه به محیط دانشگاه و نسل دانشجویست. هم به جهت کمی یعنی افزایش تعداد دانشجویان در مقاطع مختلف تحصیلی و هم از نظر کیفی یعنی تأثیرگذاری اқشار دانشجوی بر یکدیگر و هم‌چنین بر خانواده‌ها و دوستان و نزدیکان‌شان. این راهبرد می‌تواند به واسطه تقویت تشکلهای هم‌سو با انقلاب اسلامی برای جذب دانشجویان به فعالیت فرهنگی و تلاش برای روشن‌گری در محیط دانشگاه پی گرفته شود. هر چند این پایان راه نیست. نکته مهم تر آن است که بسیاری از همین دانشجویانی که در دوره دانشجویی به فعالیت‌های فرهنگی پرداخته‌اند، پس از فراغت از تحصیل این عرصه را رها می‌کنند یا به تعبیر بهتر از سوی جبهه فرهنگی، رها می‌شوند. این نکته باید مد نظر برنامه‌ریزان فرهنگی قرار گیرد که با تداوم ارتباط مؤثر و حفظ رشته‌های اتصال اعضای تشکلهای هم‌سو با انقلاب که در جبهه فرهنگی فعالیت دارند؛ هم‌چنان از این تجارب و توان‌مندی‌ها در برنامه‌ها، طراحی‌ها و فعالیت‌های فرهنگی بهره برد.

مسأله مهم دیگر، فضای مجازی است. در شرایط فعلی هم برآوردهای شخصی و هم پژوهش‌های جمعی نشان‌گر گرایش روزافزون نسل نوجوان و به خصوص متولدین دهه هفتاد به فضاهای مجازی است. نرم‌افزارهایی چون تلگرام، اینستاگرام و توییتر از جمله محبوب‌ترین و پرکاربردترین ابزارهای فعالیت مجازی در نگاه این نسل است. بنابراین می‌بایست ضمن برنامه‌ریزی مدون و مشورت با کارشناسان امر، در راستای بهره‌مندی از این فضا جهت تأثیرگذاری مثبت بر نگرش نوجوانان و جوانان تلاش‌هایی صورت بگیرد. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در این زمینه دغدغه‌های فراوانی دارد: «باید کاری کنید که دشمن را از فضای مجازی برانید. هدف را این بگذارید که دشمن را بتاراند و پس بزنید. لازمه‌اش آن است که توان‌ها را خیلی فعال کنید. به یک تحول هوشمندانه نیازمندیم. از من سوال می‌شود که به شبکه‌های اجتماعی و مجازی خارجی کنونی که متعلق به دشمن است، وارد بشویم یا نه؟ به نظر ما ورود هوشمندانه، خوب است ولی افرادی بروند و کار دسته‌جمعی کنند و بنیه داشته باشند».



یکی از برنامه‌های مفید «طرح رویش» است. محتوای انگیزه‌بخش و دغدغه‌مند این طرح برای مخاطبان جوان، می‌تواند راهکاری برای جلوگیری از ریزش بیشتر و تقویت کمی و کیفی فعالان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی باشد. تقویت و توسعه این طرح از مواردی است که پیگیری آن برای جذب قوی‌تر افراد به فعالیت‌های فرهنگی ضروری می‌نماید.

امید است با افزایش حساسیت نسبت به این مسأله و بذل توجه ویژه مسئولان به نسل‌های نوجوان و جوان، بتوانیم پیش از وقوع بحران در نسل‌های آتی، گره‌گشایی نماییم و با تدابیر لازم از کاهش رغبت جوانان به فعالیت در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی بکاهیم.

مخاطبتان فقط آن جوانی که از پیش به شما معتقد است نباشد. «گر آن بیگانه هم با ما نشیند آشنا خیزد»؛ اینجوری باید باشد. آن بیگانه هم اگر با شما نشست، باید آشنا بلند شود. به تعبیر رایج، قشر خاکستری و حتی از قشر خاکستری متمایل به سیاه را هم باید برابید و جذب کنید. خلق مخاطب که ما گفتیم مراد این است. این یکی از کارها است.

امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۸/۱۹



بنیاد فرهنگی خاتم‌الوصیاء

دفتر شناسایی